فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره پنجم (زمستان ۱۳۹۹)

جایگاه و نقش المان ها در جامعه و هویت شهری

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

شهناز صالحی

چکیده

المان های شهری به عنوان عنصر شاخص از شهر ابزاری ارزشمند برای معرفی هویت شهر می باشند. المان ها می توانند آینه ای تمام نما، از هویت و فرهنگ شهر باشند. ازآنجایی که توجه به شاخص ها و نمادهای ایرانی- اسلامی، در طراحی معماری شهرها کمتر موردتوجه قرارگرفته و در مقابل استفاده از نمادهای مدرن و ناسازگار با هویت ایرانی- اسلامی افزایش یافته است. امروزه موضوع هویت یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در چند دهه ی اخیر بوده است و به دغدغه ای مهم برای صاحبنظران و برنامه ریزان تبدیل شده است. فضاها و محیط های انسان ساخت خود نماد اینه ایی است که هویت شهری را منعکس می کند. هویت در هر جامعه، نشان از فرهنگ آن جامعه است وفضاهایی همساز با هویت شهری موجب آرامش امنیت و مشارکت شهروندان می شود. فضاهای شهری محل تعاملات اجتماعی است و این تعاملات در مکان هایی دیده می شود که برای شهروندان حس امنیت و حس تعلق را فراهم نمایند. وجود المان های شاخص علاوه بر زیبایی، کیفیت فضا را ارتقا می دهد و این کیفیت است که بر ذهن انسان نقش می بندد و بر حس مکان و خاطرات جمعی شهروندان تاثیر می گذارد. هدف دیگر المان ها، ارتقای کیفیت و ایجاد سرزندگی فضاهای شهری و زیبایی و شادابی است.نصب نشانه های شاخص شهری و کمک گرفتن از ابزارهایی جهت زیباسازی آنها از عوامل مهم ایجاد محیط سالم و با نشاط برای زندگی شهروندان است.

واژگان کلیدی: المان شهری، شهروندان، شهر، فضا، هویت ایرانی، شهر زیبا

بخش اول: المان های شهری و هویت بخشی مکانی

لینچ مفهوم"هویت" را در معنای بسیار ساده یعنی "مکان" تعریف می کند. هویت یعنی حدی که یک شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان ها مورد شناسایی قراردهد به گونه ای که شخصیتی منحصر به فرد داشته باشد و هویت را به همراه ویژگی های دیگری نظیر ساختار، شفافیت، سازگاری و خوانایی عاملی می داند که معنی مکان را در نظر ناظر شکل می دهند.ویدو کارکردهایی برای "هویت" قائل است که عبارتنند از ۱- به انسان- قدرت تشخیص می دهد که بتواند شهر را بخواند و پیش بینی کند و به همین دلیل"خوانایی" از مهم ترین کارکردهای "هویت" است ۲-عملکردعاطفی" هویت محیط" است که حس ایمنی به فرد می دهد. ۳-نوع هویت یاحس مکان می تواند احساس تعلق به همراه داشته باشدو میان مردم ومکان هاارتباط برقرارکند و وحدت بوجودآورد.به نظر او ترکیب بندی درطراحی شهری،ایجاد وحدت بصری میان عناصر متمایز شهر است تا بدین ترتیب تصاویرذهنی یکپارچه و روشن، تقویت شود.و هدف طراحی شهری ایجاد یک تصویر ذهنی شهری قوی است.این تصویر ذهنی است که مبانی تعامل مردم رابا محیط فراهم می آورد. (انصاری :۴۲:۱۳۹۰)

بخش دوم: تاثیر هویت بخشی المان ها در طراحی شهری

درواقع این هویت است که از طراحی المان شهری رمز گشایی می کند و آنها رابرای درک و خوانایی بهتر قابل پذیرش می کند. همین خاطرات جمعی و فردی ناشی از هویتی که در طراحی المان های شهری ایجاد می شود به نسل های بعدی منتقل می شود و در واقع کمک شایانی به حفظ هویت شهروندان،که خود نقش بسزایی در حفظ هویت شهری نیز دارد،میکند. (توسلی :۵۱:۱۳۸۹) همان طور که می دانیم یکی از اهداف طراحی شهری کنترل رفتارهای شهروندان به صورت غیر مستقیم است برای نیل به این هدف طراحان

شهری می توانند از راه همین نمادها با مردم ارتباط برقرار کنند با استفاده از مکان طراحان قادر خواهند بود به یکی از اهداف طراحی شهری یعنی اثر گذاری غیر مستقیم بررفتارهای مردم نزدیک شوند. در صورت بی توجهی طراح به استفاده کننده نمادها یعنی مردم،نماد طراحی شده تبدیل به یک نماد خاصی می شود که صرفا متخصصان و خود طراحان آن را درک کرده واستفاده کننده اصلی بهره ای ازدرک آن نمی بردو المان تاثیر هویت بخشی خود را از دست می دهد.ازاینرو نمادها والمان های شهری و عناصر شاخص ازعوامل مهم در طراحی معماری و طراحی شهری محسوب می شوندکه علاوه بر بازگوکردن ویژگی های هر شهر تاثیر مهمی درنحوه برخورد و تعاملات شهروندان با یکدیگر و محیط شهری دارد. (توسلی :۵۶:۵۴:۱۳۸۹)

بخش سوم: ارزش ها در طراحی المان های شهری

(دکتر بحرینی) معتقد است، ارزش ها در طراحی شهری را می توان به پنج شکل معرفی کرد. استفاده از این روش ها در طراحی المان های شهری در جهت ارائه هویت و سیمای شهری مطلوب تر، مناسب می باشند. لذا در اینجا به معرفی این ارزش هااز دیدگاه طراحی المان های شهری می پردازیم:

۱- "آن چه را که مردم می بینند"،یعنی توانایی درک واقعیت ازمحیط اطراف به گونه ای که صرفاً بعضی مفاهیم عمومی مانند وجود تناسبات

زیبا،ترکیبات حجمی مناسب و ترکیب های رنگی متعادل و...رادرک نماید و احساس لذت را از یک اثر هنرمندانه داشته باشد.

۲-"آن چه را که مردم می ستایند"، که به معنی قدرت ستایش، فهم و استفاده از محیط شهری است. در این مورد می توان به الگوهای میدان های

نایین و یزد اشاره نمود. در حال حاضر برج آزادی تهران از چنین کارکردی برخوردار است.۳- " آن چه را که مردم می توانند استفاده کنند"، به معنی وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت های روزانه است. در این خصوص طراحی فضاهای شهری می تواند مد نظر قرار گیرد که با کمک المان های شهری به شکلی هدفمند، ارتباطات روزمره بین مردم را بهتر و مؤثرتر برقرار سازد.:

۴-" آن چه را که مردم به خاطر می آورند"، منظور یادآوری تجارب خاطرات خوب یا سخت است.به طوری که هدف یاد آوری وقایع گذشته که عموماً به صورت انتزاعی نیز می باشند، قصد دارد ارزش های ماندگار را در اذهان عمومی حفظ نماید.(شربتیان ۱۳۸۷:۴۲)

المان های مرتبط با نیاز روزانه انسان در فضاهای شهری طراحی شوند که در اذهان عمومی به خاطر سپرده شوند.

۵-"آن چه مردم تداعی می کنند"، که مربوط می شود به جنبه های نمادی، فرهنگی، تاریخی و معنوی. درفضاهای شهری به نظر می رسد بیش ترین -کاربرد المان های شهری با مفاهیم ذکر شده و در قالب های ذیل قابل دسته بندی باشد:

- الف:تداعی شخصیت های علمی و فرهنگی،ویژگی های شخصیتی اسطوره ها،قدرت شاه
- ب :تداعی مفاهیم و ارزش های فرهنگی مانند دیانت، شجاعت،حجاب
- ج: تداعی اصالت های ملی و بومی از فرهنگ گذشته یک کشور یا منطقه
- د:تداعی ویژگی های شاخص جغرافیایی مانند معرفی نوع پوشش گیاهی یک منطقه،رودخانه، کوه، غار و...(شربتیان۱۳۸۷:۴۳)

بخش چهارم: مکان یابی المان ها و نشانه های شهری

محل قرارگیری نشانه یکی از عوامل مهم تعیین میزان تاثیرگذاری و تثبیت آن در ذهن بیننده است واگر نشانه ای در مکان مناسب برای مثال در نقطه ای از شهر که مکان بروز برخی اتفاقات است،قرار گیرد،بر قدرت وثبات آن افزوده می شود و بالعکس اگر در خارج از نقاط حساس شهر قرارداشته باشد،ممکن است سبب گمراهی شود. میادین اثر گذارترین فضاهای شهری در ذهنیت شهروندان هستند.معمولا ساکنان شهر، مناطق مختلف شهر را توسط میادین آن ازهم باز می شناسند و ساده ترین راه دادن نشانی را، راهنمایی از طریق میادین به عنوان نقاط شاخص شهری میدانند از این جهت است که در تصویر ذهنی شهروندان انواع میادین در شهر، حکم گره های پررنگ را دارند. تأثیر گره ها با نشانه بیشتر شده و زمینه ای مناسب برای توجه به خودرا فراهم کرده وجایی مناسب برای برپاداشتن نشانه به وجود می آورند.به اعتقاد(لینچ)بانصب نشانه درمحل تقاطع چند راه برقدرت نشانه افزوده میشود. (علاقه بند :۱۳۷۵:۲۴)

بخش پنجم: الزامات و ویژگی های طراحی شهری در المان های شهری

از اصلی ترین محورهایی که در طراحی المان های یک شهر باید رعایت شود می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ سرزندگی: یعنی تا چه اندازه عناصر و المان ها نیازهای بیولوژیکی و توانایی های انسانی را در آن محیط رشد داده، شکوفا کرده و محیطی مناسب ایجاد می کند.

۲ معنی: یعنی از نظر ذهنی به وضوح قابل شناخت و شناسایی باشدو ساکنین،آن را درزمان و مکان به تجسم در آورند و باارزش ها و مفاهیم جامعه نیز مرتبط باشد.

۳ کارایی: یعنی طرح مورد نظر نسبت به ارائه اهداف و مفاهیمی که در پس آن قرار دارد از جامعیت کافی برخوردار باشد.

۴ زیبایی: المان طراحی شده باید علاوه بر کارایی از زیبایی بصری لازم نیز برخوردار باشد.

۵ تناسب: یعنی این که شکل و اندازه المان ها با الگو و فرم ذهنی افراد نسبت به آن منطبق باشد.

۶ دسترسی: یعنی دسترسی حداکثری افراد، خدمات، اطلاعات و اماکنی که به نحوی با آن مرتبط هستند مقدور باشد.

۷ شفافیت و خوانایی: یعنی المان طراحی شده از وضوح کافی برخوردار بوده و ارتباط صریحی با مفاهیم و ارزش های غیرفضایی برقرار نماید.

۸ صرفه اقتصادی: یعنی طراحی و ساخت المان مورد نظر از توجیه اقتصادی لازم برخوردار باشد.

۹ رعایت مقیاس : همچنین در هنگام طراحی المان ها برای مناطق باید دقت کرد که مقیاس المان متناسب با مقیاس ان منطقه است یا نه ؟اگر المانی بزرگ مقیاس در منطقه قرار گیرد،ممکن است مکان را بی روح کند و به یک عامل ضعف در ان مکان تبدیل شود.(علاقه بند :۱۳۷۵:۶۸)

می توان مسئله هویت را مسئله ی "معنا" دانست. پرسش از "چیستی و کیستی" افراد و جوامع، در رابطه با "معناداری" شکل می گیرد. هر گونه تلاشی برای ارایه تعریف از هویت یک چیز، پاسخ به معنای آن است. هر وجودی قبل از موجود شدن، فاقد معناست ؛ اما با شکل گیری ان، معنایی را به خود اختصاص می دهد که بر حسب ان هویت می یابد. (رهبری:۱۳۹۲:۱۶)

در تعریف هویت در فرهنگ دهخدا چنین آمده است :" ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز و شناسایی کسی از دیگران شود." و درباره ی شهر و شهروند آمده است ؛ شهر :

مجموعه ی بسیار از خانه ها و عمارات و خیابان ها و کوچه ها که در ناحیه ای محدود قرار دارند.

شهروند : در تداول، کسی که جزو یک شهر (یا ناحیه یا کشور) به حساب بیاید و تابع مقررات آن باشد و از حقوق ان برخوردار گردد.» در مواجهه با چنین تعاریفی این انتظار به وجود می آید که هر شهری دارای ویژگی هایی باشد که آن را از سایرشهرها متمایز کند. این شهر بایست در محدوده ای قرار گیرد و ساکنان آن در عین آن که تابع مقررات آن شهر هستند ؛ از حقوقی برخوردار باشند. (رهبری :۱۳۹۲:۱۷:۱۸)

برای شناخت هویت یک شهر می باید مولفه های سازنده ی شخصیت ان را شناخت. مولفه های شخصیت یک شهر، همانند مولفه های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مولفه ها، چنان چه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می کنند.کوین لینچ در شکل خوب شهر، هفت ارزش یا معیار را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می کند، شامل سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت. نامبرده هر یک از این معیارها را با معیارهای ریزتری توضیح داده و سنجش می کند. معیار یا سنجه معنی شامل پنج زیر عنوان است : ساختار، هویت، شفافیت، سازگاری و خوانایی. هویت و ساختار از اجزای شکلی و ریخت شناسانه معنی هستند. این دو جنبه، جنبه هایی از شکل را توضیح می دهند که به ما امکان می دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم.(۳۸:۱۳۸۷:بهزادفر)

هر شهری از جایگاه ویژه ی طبیعی برخوردار است که ان را از سایر شهرها متمایز می کند. ویژگی های بستر طبیعی هر شهر بخشی از هویت شهر را به تصویر می کشد که در

قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است، از ان جمله می توان به رشته کوه ها،کویر و.... اشاره کرد.... مولفه های مصنوع هویت هر شهر به صورت ساختاری - کالبدی در لایه های مختلف زمان بر فضای شهر تبلور دارند. شامل : ۱) منظر عمومی شامل کلیت فرم شهر با دید ی که وضعیت شهر را از گذشته تا شرایط موجود نشان می دهد.

۲)عناصر خطی - ساختاری شاخص شامل خیابان های اصلی ساخت شهر

۳) شاخص های کانونی و نطقه ای شهری، میادین.دروازه ها پارک ها

۴) شاخص های خطی - نقطه ای، تاریخی و کالبدی شامل کاخ ها، بازار

۵) تک بناهای شاخص شهری

۶) توده ها، حوزه ها، فضاهای شاخص شهری : محلات قدیمی شهر قدیم، مجموعه ی ساختمان های مسکونی (بهزادفر:۱۳۸۷:۳۹)

هویت کالبدی: عدم تناسب شکل و فرم ساختارهای موجود در شهر؛

هویت محتوایی: نوع کارکرد، عملکرد و یا بهره‌برداری نامناسب از فضاها و ساختارهای موجود در شهر.

فرم یا شکل در شهرسازی و معماری، می‌بایست بیانگر روح زمان و فرهنگ رفتاری مردمانی باشد که طی یک دوره آن را پدید آورده‌اند. هر معماری فرمی را تولید می‌کند، که این فرم در ارتباط با ویژگی‌های زمینه مکان معماری است؛ یعنی هویت کالبدی هر اثر معماری در ارتباط مستقیم با هویت محتوایی بستر آن معماری است. بنابراین در شهر اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبع معنا (هویت محتوایی) تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است که در آن نسبت قالب و محتوا همچون نسبت روح و کالبد است. (بمانیان:۱۳۸۹: ۶)

بخش ششم: هدف از هویت شهری

الف – شناساندن و معرفی عناصر و اجزای فرهنگ های قومی، بومی و منطقه ای

ب – ایجاد انگیزه برای گسترش فعالیت های فرهنگی در مناطق مختلف کشور در جهت ارتقا و رشد متوازن شاخص ها و عناصر فرهنگ عمومی و تحکیم هویت دینی – ملی و همبستگی اجتماعی

ج – تمرکز بخشی و ساماندهی فعالیت ها و برنامه های مربوط به عناوین فرهنگی اختیار شده

د – زمینه سازی اصلاح یا ارتقا فرهنگی شهر یا منطقه مورد نظر در ابعاد یا اجزا خاص فرهنگی متناسب با عنوان مدنظر

هـ – الگودهی و استفاده از ظرفیت های هویت فراملی و هویت بخشی به قومیت ها و فرهنگ های کشورهای همسایه که دارای سوابق مشترک فرهنگی و نیروهای بالقوه مبارزه با نظام سلطه بین المللی هستند به خصوص عطف توجه همسایگان شهرهای مرزی کشور نسبت به اجزاء و ابعاد انقلاب اسلامی (توسلی :۱۳۸۹:۸۷)

بند اول: شاخص ها و معیارها

شاخص ها و معیار هایی مد نظر قرار گیردکه عبارتست از:

الف- وجود شخصیت‌ها و مفاخر برجسته در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

ب – وقوع جریان ها و حرکت های مهم تأثیر گذار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

ج – وجود آثار، بناهای تاریخی، جاذبه های طبیعی و زیست محیطی قابل توجه.

د – موقعیت و اهمیت سوق الجیشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهت برقراری ارتباط با دیگر فرهنگ ها و تمدن ها.

هـ- انجام برنامه ها و فعالیت های چشمگیر در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

و – بهره مندی از امکانات و مقدورات ممتاز و قابل توجه در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با عنوان مورد نظر.

ز – توصیف ها و عناوین به کار رفته در کلام امام و رهبری

ح – ویژگی شهر یا منطقه نسبت به دفاع مقدس تا به امروز

ط – ویژگی شهر نسبت به سیر حرکت انقلاب اسلامی تا به امروز.

ی – وجود توانمندی ها و قابلیت ها و ظرفیت های هنری و فرهنگی (توسلی :۱۳۸۹:۹۰)

بخش هفتم: اهمیت و ضرورت وجود هویت در فضاهای شهری

آموزه های شهروندی از طریق تقویت نشانه ها و نشانه های شهری از ارکان مهم رشد هویت شهری و ارزش های فرهنگ بومی و منطقه ای محسوب می گردد. آموزش نمادها و نشانه های شهری از سوی مدیریت شهرها در قالب مهارت های زندگی به صورت غیرمستقیم به یادگیری حفظ الگوهای حاکم بر فرهنگ و سرمایه های شهری منجربه خواهد شد. نشانه های شهری امروزه نقش مهمی در تقویت وجدان اجتماعی جامعه شهری می تواند داشته باشد، ویژگی های شهروند محوری را به صورت نهادینه شده تحکیم می بخشد. مهارت های شهروندی و الگوهای بصری آن« اول: موجب شناخت زندگی اجتماعی- فرهنگی- مدنی در کشور می شود که جزء اولین اصول مهارت هایی است که باید مورد اهتمام مدیریت شهری قرار گیرد. دوم: بخش دیگری از این مهارت ها شامل سلامت فکری،

ذهنی،فرهنگی، شهری است،که باید مدیریت شهری اینگونه مهارت ها را به شهروندان یک جامعه در قالب برنامه ریزی های شهری ارائه دهد.، تا از این طریق سطح رضایت شهروندان را در پی داشته باشد.سوم: این نشانه ها و نشانه های شهری باید در راستای استحکام قانون مداری و اخلاق محوری شهروندان را به نهادینه شدن فرهنگ رفتاری و اجتماعی تقویت نمایند. چهارم: وجود نشانه های شهری باید در جهت تقویت مناسبات اجتماعی، همدلی، همدردی، سرمایه های اجتماعی، ارتباطات انسانی بصورت برابر محور بین شهروندان یک جامعه بسط یابد. پنجم:مدیریت شهری باید شهروندان جامعه را با هویت اجتماعی و فرهنگی شهر از طریق ابزارهای مختلف از جمله نمادها و نشانه های فرهنگ حاکم شهری پرورش دهد.، ششم: حاکمیت شهری در قالب سازمان ها، انجمن های اجتماعی و فرهنگی باید شرایطی را فراهم کنند که شهروندان بتوانند به درستی هویت شهری خود را بشناسند و در راستای تحقق آرزوها، و سعادت اجتماعی شهری خود گام بردارند.» (صدیق سروستانی،۱۳۹۱: ۱۷۲) بر اساس چنین آموزه ها و اصولی که بیان شد می توان گفت که در واقع استمرار و طراحی نشانه های شهری نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار شهری دارد، در واقع طراحی این عناصر زیباسازی دریک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی- محلی برخوردار باشند.

ضرورت نشانه های شهری در یک جامعه باعث این شده که " نظام مشارکتی"، " هویت شهری" و " حس تعلق اجتماعی به شهر" در وضعیت ارتباطات اجتماعی و انسانی شهروندان اثرگذار باشد، بر این اساس تقویت سواد بصری معطوف به تفاهم و تعامل روانی شهروندان بسیار با اهمیت خواهد بود.« به تعبیر تورنی در حوزه جامعه شناسی وجود نمادها و نشانه های شهری فرایند انتقال دانش ها، ارزش ها و نگرش های لازم برای مشارکت پایدار شهری را از یک نسل به نسل دیگر فراهم می کند. این انتقال شامل موارد مختلفی

نظیر: سواد مدیریتی، احساس وفاداری به هویت شهری، نگرش مثبت به اقتدار مدیریتی، باور به ارزش های بنیادی مدیریت شهری،علاقه به مشارکت پایدار و کسب مهارت های لازم برای فهم سیاست های عمومی شهر و نظارت بر آن ها را فراهم می نماید.» (شارع پور،۱۳۸۶:۳۱۷) جامعه شناسان از آموزش این مولفه در هرجامعه ای به دنبال انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام جامعه،و انتقال ان به نسل جوان خواهند بود، لذا آموزش های شهروندی از طریق نمادها و نشانه های شهری به دنبال نهادینه شدن فرهنگ مدنی است. (شارع پور :۱۳۸۶:۳۱۸) مهارت های شهروندی از طریق بسترسازی نشانه ها در سطح شهر باعث شده که شهروندان در برخورد با مسائل جمعی و اجتماعی رفتارهای نوع دوستانه، اخلاقی نسبت به یکدیگر پیدا نمایند. یادگیری شاخص های رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی شهر کمک شایانی می کند؛ درواقع تربیت شهروندان از طریق آموزش رفتارهای شهروندی در قالب شاخص های اخلاقی، اجتماعی باعث بهبود عملکرد افراد جامعه در شهرخواهد شد. آموزه رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت زندگی شهر بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق و همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح "محلی- ملی و جهانی" منجربه خواهدشد، چنین اشاعه ای از طریق زیباسازی از جمله طراحی و نصب نشانه های شهری درنقاط مختلف محلات شهری باعث شکل گیری هویت شهری و محلی می گردد. در واقع نقش طراحی آموزه های اجتماعی و فرهنگی از طریق نشانه های شهری در قالب شناختی که شهروندان نسبت به فرهنگ شهرنشینی بدست می آورند؛ باعث می شود که هویت های شهری متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه شهری شکل گیرد.(پاکزاد :۱۳۸۵:۸۱)

طراحی نشانه های شهری بر اساس آموزه های غیرمستقیم شهروندی بخشی از وظایف حوزه مدیریت هنری، فرهنگی و زیباسازی شهری است، که باعث گسترش آگاهی در حوزه

حقوق شهروندی، مهارت های زندگی جمعی خواهد داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه ها در مورد انتظاراتی باید باشد که از مدیریت شهری درخواست می شود طراحی این آموزه ها باید متناسب با اصول زندگی شهرنشینی، حقوق شهروندان رعایت مقررات شهری، فرهنگ شهری، تاریخچه شهری و بازتولید هویت شهری باشد. این نشانه ها به سمت مدنی کردن زندگی شهری و ارزش های فرامادی سوق یابد، و از طریق این آموزه ها سعی شود که هویت های محلی و فرهنگی را در زندگی اجتماعی مردم بازتولید کرد. (شارع پور ۱۳۸۶:۳۲۰)

نقش رفتاری آموزه های شهری در یک جامعه در پنج بُعد خلاصه می شود.« الف) نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می باشد. ب) جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می کنند که خرده جویی ها و خرده گیری ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند. ج) خوش خویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است، که بایدبه صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد.د) ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیارموثر است.ه) وظیفه شناسی بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامه های آموزشی به شهروندان جامعه آموزش داد که این بعد تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود در خود بوجود آورد.» (ربانی و همکار،۱۳۸۱: ۵۸) با توجه به این مباحث، این پدیده اجتماعی و فرهنگی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی دارد، براین اساس نهادینه

کردن آموزه های شهری از طریق نصب نشانه های شهری منجربه بروز شرایط یگانگی و هبستگی اجتماعی شده است.نقش این آموزه های مدنی در جوامع امروز باعث تقویت مشوق هایی چون "احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت پذیری و..." خواهد شد.نقش این آموزه ها در جامعه ارتقاء دلبستگی فرهنگی بالای شهروندان به هویت شهری خواهد شد.(نگارنده :۱۳۹۴)

بخش هشتم: معماری و شهرسازی بومی و اسلامی

شهرسازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری و تئوری های مربوط به اصول و ارزش هایی است که باید در طراحی، برنامه ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی یا مصنوع) و همچنین با سایر هم نوعان خویش (جامعه) حاکم باشد. این اصول و ارزش های از تعالیم اسلامی استخراج شده و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که در تضاد با اصول پیشین نباشند نیز هستند. اجمالا باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آنها، قرآن کریم و سنت پیامبر هستند. در این متون بر اساس یک سری زمینه ها و موضوعات کلی، اصولی برای فعالیت و زندگی انسان قابل استخراج هستند، مانند هدف غایی زندگی انسان. این اصول باید با معیارهای حاکم بر عالم وجود که توسط خداوند برپاشده هماهنگ و یا تفسیری از آن باشد. علت این امر، آن است که انسان خلیفه خداوند بر روی زمین بوده و اعمال او باید رنگ الهی به خود گیرد. این اصول کلی حاکم بر عالم وجود براساس تعالیم اسلامی عبارتند از وحدت در کثرت، تجانس، توازن، تعادل، اندازه، هماهنگی و مواردی از این دست که مکتب اصفهان نمونه بسیار خوبی در این زمینه محسوب می شود(نقی زاده:۱۳۸۶:۲۸). معمولاً در معماری اسلامی چهار عامل مهم تعیین کننده می باشند: ۱- شرایط آب وهوایی ۲- مواد و مصالح محلی ۳- فرم های سنتی ۴- شیوه زندگی و ارزشهای اسلامی و اجتماعی (شکویی،۱۳۹۱:۱۸۷)

اصول و معماری اسلامی که در راس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد در ۴ دسته قرار می گیرد:

مردم داری: به معنای داشتن مقیاس انسانی است که می توان آن را در عناصر مختلف شهرسازی اسلامی مشاهده نمود.

نیارش: به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می دارد نیارش اطلاق شده که شامل استاتیک بنا، علو یا فن ساختمان و مصالح. شناسی.آن.است.

خود بسندگی: بدین معنا که سازندگان بنا سعی می کنند مصالح مورد تیاز را از نزدیک ترین مکان ها با ارزان ترین بها به دست آورند.

درون گرایی: در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می گردد. به این معنا که بنا به گونه ای ساخته شود که تمام فضای درونی آن در ارتباط مستقیم قرار گیرند. (پیرنیا، محمدکریم:۸۵:۱۳۷۴).تا کنون مفاهیم کلیدی مربوط به تعریف نشانه های شهری ورابطه شهر و با آن ها، به طور خلاصه معرفی شد. از آن چه گفته شد؛ می توان این گونه نتیجه گرفت که شهری دارای هویت مطلوب و متداوم تلقی می شود که نشانه هایش به طرز مطلوبی شاخص وقابل شناسایی بوده و بستر لازم برای شکل گیری، حفظ و یادآوری خاطرات جمعی را فراهم کند. از این رو، چنان چه این نشانه ها درارتباط با ساختار شهر شکل گرفته و انتزاعی از سنت، معیشت، فرهنگ و روابط اجتماعی ساکنین باشند؛ می توانند در تصویر ذهنی نسل های مختلف ساکنین شهر و متعاقباً در حافظه ی جمعی شهروندان آن،جای بگیرند. با این تعبیر، می توان وجوه اصلی یک عنصر برای نشانه شدن در فضای شهری را اجمالا در قالب موارد زیر بر شمرد. هریک ازاین وجوه، خود از طریق معیارهایی چند، قابل حصول است:

بخش نهم: نمایانی، یا تمایز نسبت به بافت اطراف:

همان گونه که اشاره شد؛ انسان برای تعامل با محیط، از تصویر ذهنی استفاده می کند. می توان گفت که او با این تصویر ذهنی، نوعی بارگذاری معنایی بر همه ی پدیده های شهری انجام داده و برای جا به جا شدن و مسیریابی در فضاهای شهری، از فرایند تفاوت یابی استفاده می کند. تفاوت عاملی است برای تشخص و هویت یافتن(فکوهی، ۱۳۸۷ : ۳۰۲). هر چه قدر یک عنصر، تفاوت و تمایز بیشتری نسبت به عناصر اطرافش داشته باشد؛ پتانسیل بیشتری برای جای گرفتن در تصویر ذهنی تعداد زیادی از ساکنین، به عنوان یکی از نقاط مرجع، خواهد داشت. به این معنی که تمایز و تفاوت با عناصری که در اطراف قرار گرفته اند، موجبات وضوح آن عنصر در زمینه و امکان به یاد ماندن آن در ذهن ساکنین را فراهم می کند. مطالعات (((لینچ))) نشان داد که این ویژگی کیفیتی در عنصر پدید اورد که وی آن را «نمایانی » می نامد. مراد از این کیفیت، در واقع شکل، رنگ و سامانی است که ایجاد تصویری روشن و مشخص با بافتی مستحکم را از محیط زندگی آدمیان میسر می سازد. نمایانی زمانی اتفاق می افتد که اشیا نه تنها قابل رویت اند؛ بلکه، به شدت و به وضوح تمام خود را به تمام حواس آدمی عرضه می کنند. هنگامی که عنصری از وضوح و نمایانی بیش تر و کامل تری برخوردار باشد؛ خود را مشخص تر و قابل درک تر می سازد(لینچ, ۱۳۸۷ : ۲۵). به بیانی ساده تر، نمایانی در تئوری لینچ را می توان ترکیبی از توانایی اجزای فیزیکیِ محیط در ارائه یک تصویر مشخص و توانایی شخص ناظر در انتخاب، پردازش، ذخیره، سازماندهی و معنی بخشیدن به تصویر به صورت ذهنی دانست(حبیبی، ۱۳۸۲ : ۱۱). هر عنصر می تواند این نمایانی را با استفاده از ویژگی های فرمی در خود داشته باشد. از سویی دیگر چگونگی قرارگیری آن در کنار سایر عناصر نیز می تواند در به وجود آمدن یا تقویت کردن نمایانی موثر باشد؛ چنان که نشانه ای ضعیف در نقاط پراهمیت، بیشتر به یاد می ماند تا نشانه ای قوی در نقطه ای بی اهمیت(حقگویی,۱۳۹۰ : ۴۱). بنابراین یک عنصر

برای این که تبدیل به نشانه ای در فضای شهری بشود، باید هم از جنبه ی فرمی و هم از جنبهٔ مکانی- فضایی شرایط لازم را دارا باشد. این بدان معنی است که این عناصر هم باید به جهت فرمی بیشترین حد از نمایانی را داشته باشند و هم به لحاظ محل قرارگیری در سازمان فضایی شهر شاخص و برجسته باشند. برای دستیابی به نمایانی از طریق هر دوی این جنبه ها باید به دنبال متغیرهایی بود که این جنبه ها را ایجادمی کند. لینچ در مطالعات خود، برای توضیح جنبه فرمی نشانه های شهری، واژه ی «منحصر بفردی » را به کار برده و از واژه ی «برجستگی » برای توضیح جنبه های مکانی- فضایی آن هااستفاده می کند(لینچ, ۱۳۸۷ : ۱۴۴).برای مشخص کردن متغیرهایی که نشان دهنده ی عوامل فرمی تاثیرگذار در نشانه شدن یک عنصر در شهر باشد؛ می توان از مفهوم فرم و ویژگی های آن بهره برد. ویژگی هایی از فرم که می تواند درایجاد نمایانی و متعاقباً نشانه شدن عناصر یاری رسان باشند، شکل،اندازه، رنگ و بافت است. هر کدام از این عوامل می توانند در متمایزشدن عنصر از بافت اطرافش موثر باشند. در این پژوهش از «تمایزفرمی » برای بیان تفاوت در شکل عنصر و «مصالح » برای بیان نوع بافت عنصر استفاده خواهد شد. در همین حال از «تمایز اندازه ای،ارتفاعی و رنگ به کار رفته در نمای بنا » نیز به عنوان متغیرهایی که می توانند پتانسیل های فرمی لازم را برای نشانه شدن یک عنصردر فضای شهری فراهم کنند؛ استفاده خواهد شد.همان طور که گفته شد؛ علاوه بر عواملی که سبب ایجاد تمایزدر فرم و کالبد بنا می شوند، عوامل زمینه ای دیگری وجود دارندکه می توانند موجبات هرچه بیشتر شاخص و برجسته تر شدن یک عنصر را فراهم کنند. این عوامل با کمک به قرارگیری عنصردر محل مناسبی از ساختار فضایی شهر پتانسیل های لازم را برای جای گیری آن در تصویر ذهنی شهروندان فراهم می کنند. به نظر می رسد عوامل تاثیرگذار در مکان یابی یک عنصر می توانند همان عوامل مکانی- فضایی باشند. عوامل مکانی-فضایی

تاثیرگذار در افزایش نمایانی یک عنصر در بافت شهری راسه عامل می دانند: «محل قرار گیری عنصر، نحوه ی استقرار. نوع محور مجاور عنصر منظوراز محل قرارگیری عنصر در بافت آن است که هر عنصر در کدام قسمت از بافت شهر قرار گرفته است. بافت شهر را می توان ازجهات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، کاربری و... به قسمت های مختلف تقسیم کرد. نحوه ی استقرار یک عنصر در شهر نشان دهنده ی پیوسته یا منفرد بودن آن با عناصر اطرافش است. در همین حال محورهای ارتباطی در شهرها از درجات متفاوتی از اهمیت برخوردارند. هر چه قدر درجه اهمیت یک محور در شهر بیشترباشد، دسترسی به آن و عناصری که در ارتباط با آن شکل گرفته اندراحت تر خواهد بود و در عین حال از اهمیت و تشخیص بیشتری نیزبرخوردار می شوند.قرار گیری عناصر در مجاورت هر کدام از این راه ها ی ارتباطی شرایط متفاوتی را ایجاد می کند. (پورجعفر و منتظرالحجه, ۱۳۸۹ : ۲۴) محورهای مجاور یک عنصر ممکن است نتوانند عامل نشانه شدن آن باشند اما قطعادر برجسته ساختن و تقویت آن تاثیر بسزایی خواهند داشت. تمامی ویژگی های بیان شده، به نوعی در تشکیل تصویر ذهنی عناصر شهری در ذهن افراد نقش دارند؛ اما آن چه که از نظر دورمانده، زندگی شهری در شب است. انسان ها برای تعامل با محیط شهری در شب، به تصویر روشن و منسجمی از آن نیاز دارند. برای این که این تصویر ذهنی انهادر شب، عمق و قدرتی هم تراز باتصویر ذهنی آن ها در روز داشته باشد؛ باید ارکان تشکیل دهندۀ آن به وضوح و شفافیت روز بوده یا جلوه های خاص و متفاوتی نسبت به سیمای شان در روز را به نمایش بگذارد(حقگویی, ۱۳۹۰ : ۸۱). از اینرو نمایانی عناصر در شب، به روش هایی همچون «نورپردازی عناصردر شب » یا نقش پذیری آن ها در حیات شبانه ی شهر، به نحوی که موجباب برجسته شدن و نمایانی هرچه بیشتر آنان را فراهم کند؛از جمله عوامل تاثیرگذار در نشانه شدن آن ها در فضاهای شهری است.

بخش دهم: دلالت مشترک میان شهروندان

هم زمان با نیاز به وجود منحصر بفردی و برجستگی برای یک عنصر در بدل شدن به یک نشانه ی شهری، لازم است آن عنصر،معنایی مشترک را برای اکثر ساکنین شهر تداعی کند. هرنشانه به طور مسستقیم به ما مدلول متصل نمی شود، بلکه اینکار از طریق تفسیرگر صورت می پذیرد. در این میان مهم آن است که نشانه باید به وسیله اغلب تفسیرگران ساکنان به طور مشابه درک شود(صفایی منفرد, ۱۳۸۵ : ۲۸۱). برای آن که این اتفاق بیفتد، همان طور که در فرایند نشانه شدن یک عنصر ذکر شد،باید محرک دوم که می تواند مفهومی ذهنی یا کالبدی عینی باشددر ذهن اکثر کاربران یکی باشد. از این رو، هر قدر عنصری وجه اجتماعی بیشتری داشته و با طیف گسترده تری از ساکنین سر وکار داشته باشد و بتواند با نسل های مختلف شهروندان ارتباط برقرارکند؛ پتانسیل بیشتری برای انباشت لایه های مختلف خاطرات جمعی که عامل مهمی در شکل بخشی به دلالت مشترک میان شهروندان است- خواهد داشت. تناظر یافتن خاطرات با این عناصر یا فضاهای شهری، سبب معنادار شدن آن ها در ذهن شهروندان می شود. تنها محلِ ثبت این عناصر به عنوان نشانه، تصاویر ذهنی ساکنین از شهر است؛ بنابراین نقشه های شناختی که توسط ساکنین ترسیم می شود؛ می تواند منبع مناسبی برای بازشناسی نشانه از میان سایر عناصر فرم شهری باشد.بر این اساس، هر عنصری که دارای بیشترین تعداد تکرار درنقشه های شناختی باشد؛ ممکن است بیش از سایر عناصر شهری توانسته باشد جنبه ی اجتماعی یافته و لذا، در ذهن بیشتری از شهروندان، به عنوان یک عرصه اجتماعی پرخاطره و یک نشانه ی شهری شناخته شود. از عوامل تاثیر گذار دیگر در «دلالت مشترک میان شهروندان »، کاربری و قدمت تاریخی یک عنصر شهری است. با توجه به این که کاربری هایی عمومی گره ها، بناهای فرهنگی، مذهبی، درمانی، فضای سبز و نظایر آن با طیف گسترده تری از

ساکنین سر و کار دارند؛ پتانسیل بیشتری برای نشانه شدن در ذهن شهروندان نیز دارند. در همین حال، هر قدر زمان حضور یک عنصر در فضای شهری طولانی تر باشد؛ امکان بیشتری برای تبدیل شدن آن به یکی از عناصر ثابت و قابل اتکا در تصویر ذهنی نسل های مختلف یک شهر فراهم می شود.(خطیب زنجانی :۴:۱۳۸۶)

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت المانهای شهری عاملی موثر در هویت بخشی به شهر و فضاهای شهری می باشد که باید در انتخاب تناسب و فرم و محل قرارگیر ی انها که از الزامات جانمایی المانها در شهر است استفاد ه بهینه نمود.نقش نور و نور پردازی در خوانایی المان ها به خصوص مجسمه های شهری و همچنین رنگ امیز ی های مناسب که اصولا باید از رنگ های گرم و تند باشند در سر زندگی و خوانایی شهر و المانها بسیار موثر هستند.مجسمه ها و المانها باید همانطور که در این تحقیق مشخص شده بر روی گره های پر رفت و امد و مهم شهر مانند چهار راه ها و پارک ها و پیاده راه های مهم نصب شود فضا های مکث در پیاده راه ها توجه به المانها را بسیار بالا میبرد که از این امتیاز در پارک ها و بلوار ها میتوان استفاده نمود. استفاده از نظر مردم یک محل در نصب یا جانمایی یک المان در حفظ و هویت دهی به محله و مکان بسیار مهم می باشد. همانطور که شرح آن رفت حال برای اثر بخشی نقش المانهای شهری بر هویت شهری می توان به ارائه راهکارهای زیر پرداخت.

۱-استفاده از معماری به سبک شهرسازی سنتی جهت ارتقای حس هویت شهری در فضاهای شهری

۲-ترکیبی از معماری مدرن و سنتی به منظور ارتقای هویت شهری در طراحی المانهای شهری

۳-استفاده از روح و خاطرات جمعی در ارتقای حس تعلق خاطر و غنای حسی به منظور ایجاد حس وحدت جمعی و کشاندن مردم به فضاهای شهری

۴-استفاده از نظر جمعی برای انتخاب المانها در مناطق مختلف با توجه به رای اکثریت مرم ساکن ان منطقه

۵- جانمایی مناسب المانها در نقاط شهری

۶- استفاده از نور و رنگ در هرچه بیشتر نمایان ساختن المانهای شهری به خصوص در پارک ها و بلوار های مهم شهری

۷-استفاده از مجسمه های شهری برای القا معانی مورد نظر در تناسب و مقیاس های استاندارد در اماکن پر رفت و امد به خصوص نقاط کانونی مهم مانند جلوی مجتمات تجاری و پارک ها

۸- پرهیز از استفاده از مصالح و موادی که از لحاظ اقلیمی با ان مکانها و مناطق سازگاری ندارند (مانند استفاده از سیمان که برای اقلیم های مختلف فرق میکند)

۹- برگزا ری همایش ها و جشنواره ها مختلف(مانند نقاشی –مجسمه سازی –درخت کاری –و....) در شهر برای اینکه بفهمیم مردم از چه نوع سبک معماری و المانی بیشتر استفاده میکنند و روحیه ی جمعی چه نوع المان و سبک را قابل قبول میداند.

منابع و مآخذ

۱-انصاری ابراهیم، ۱۳۹۰،جامعه شناسی شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه شناسان

۲- ربانی رسول، ۱۳۸۱،جامعه شناسی شهری. دانشگاه اصفهان. انتشارات سمت

۳-اقا زاده احمد ,۱۳۸۵، اصـــول و قـــواعد حاکم بر فرایند تربیـت شهـروند و ویژگی هـــای این گونه اموزش ها در کشور ژاپن

۴-اولیا،محمد رضا،پیشنهاد مدلی برای ترسیم گره در تزینات وابسته به معماری اسلامی، پاییز ۱۳۹۴،نشریه ی معماری و شهر سازی شماره ۱۵،

۵-باقری شیدا ,۱۳۸۵]عرصه های عمومی –عرصه های فراموش شده ی شهری.کتاب هویت شهر های جدید ایران.شرکت عمران شهر های جدید

۶-بارانی هانیه،۱۳۹۲،نقش هویت در فضاهای شهری سایت،سیویلیکا

۷-بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۸،فرایند طراحی شهری.تهران چاپ دوم وزارت مسکن و شهرسازی

۸-بیکن،ادموند،۱۳۷۵ طراحی شهرها،ترجمه ی فرزانه طاهری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

۹- بهادران،سجاد،۱۳۹۲،برسی المان های سطح شهرکرد بر روی جا به جای دیواره،همایش ملی مهندسی عمران کاربردی،قابل دسترسی در سایت سیویلیکا

۱۰-بحرینی سید حسین، ۱۳۸۸،کتاب شهر سازی معاصر ناشر انتشارات دانشگاه تهران

۱۱-بمانیان علی،،۱۳۸۹مقاله هنر در شهر سازی.اولین کنفرانس بین المللی معماری شهرسازی دانشگاه خوارزمی

۱۲-بهزاد فر مصطفی، ۱۳۸۷،محیط های پاسخ ده، ناشر انتشارات دانشگاه تهران

۱۳-پاکزاد جهانشاه،۱۳۸۹،مبانی نظری و فرایند طراحی شهری،چاپ اول وزارت مسکن و شهرسازی

۱۴-پاکزاد جهانشاه،۱۳۸۴ فراهنمایی طراحی فضاهای شهری تهران، چاپ سوم وزارت مسکن و شهر سازی

۱۵-پور جعفر رضا، ۱۳۸۹،مقاله ی هویت شهری در معماری اسلامی قابل دسترس در سایت سیویلیکا

۱۶-پیرنیا محمدکریم، ۱۳۷۴، مکتب معماری اصفهان، ناشر انتشارات دانشگاه خواجه نصیر

۱۷-توسلی محمود،.بنیادی ناصر، ۱۳۷۱،طراحی فضای شهری جلد اول تهران.مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

۱۸-توسلی،محمود،۱۳۷۶،اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران،جلد اول، چاپ ۴،انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران